



باختر

در نگارشات بطليموس جغرافيه نويس يوناني

باختر منطقه ايست كه بطرف غرب آن مار جيان «Margiane»، بطرف شمال شرق آن سغد يان - بطرف جنوب آن اري (Arie) و پار و پاميز ادا فتاد است. اين منطقه به استثنای سمت غربی كه متصل به مار جيان مي باشد سرحدانی دارد طبيعي زيرارودا كوس (آمو دريا) آنرا از سغد يان و تيغه هند و كوه «پارو يا نيز Poropanise» كه قرار عقیده آنوقت در امتداد سی و نهمین خط متوازی استوا امتداد داشت آنرا از ولايات (اری) (پارو پاميزاد) و گندارا (Gandara) جدا ميکند. اين سرحد جنوبي از يكصد و نه درجه (۶۹) درجه و ۱۵ دقيقه گرین ويچ) تا ۱۱۹ درجه و ۳۰ دقيقه (۶۹) درجه و ۱۵ دقيقه گرین ويچ) انبساط داشت نقطه تصادم ۳۹ درجه خط عرض البلد و ۱۱۹ درجه و ۳۰ دقيقه طول البلد سرچشمه ا كوس و انشان ميداد كه سرحد مشترك باختر - سغديان و ولايت پاروپا ميزاد بود.

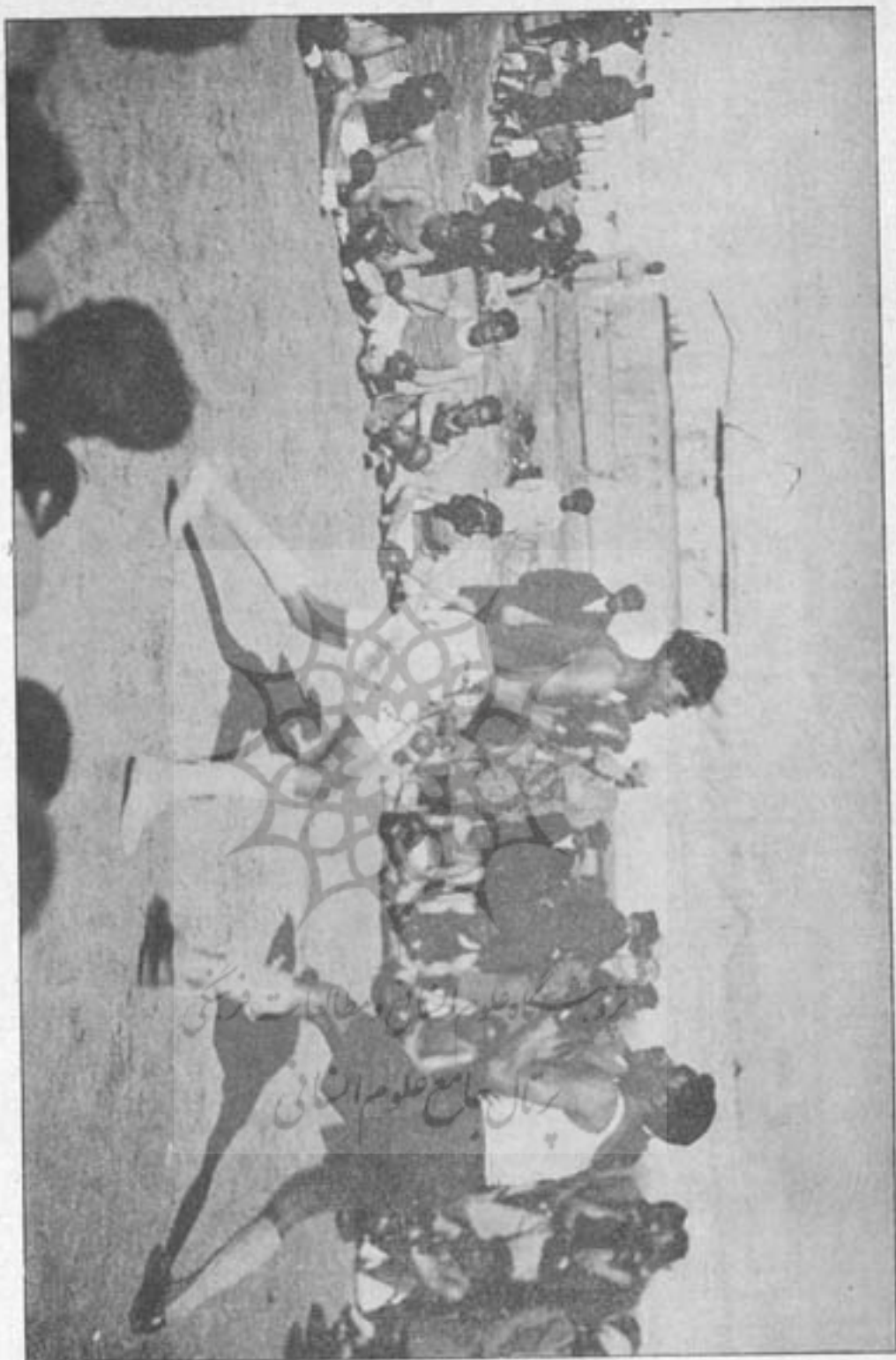
وضهيت جغرافيائی باختر بايد بكمال دقت تعين و تعريف شود زيرا علت تنقيد بعضی مفسرين بر بطليموس اشتباهی است كه درين مورد بعمل آمده است و در نتیجه نگارشات او را نفهیده اند و آخر او را مقصر دانسته و از تفصير او عموماً اغماض هم نميکنند. از روی مطالعات نگارشات مولف و منصوصاً چون نگارشات

اومبنی برعلاقه های مجاور (پارو پامیزاد - سفیدیان) بینهم مقایسه شود، معلوم میشود که مشار الیه اصل مبدأ رودا کوس، رودخانه «اقسرای» یعنی رودخانه قندوز را دانسته است. این رود خانه خودش از اجتماع دو رود دیگری تشکیل میشود که هر دو از هندو کش فرود میآیند. چنانچه رودخانه غربی از کو تل «حاجی کک» فرود آمده از شهر بامیان میگذرد و مجرای خود را در دره تعقیب میکند که بین شمال و جنوب معبر بزرگ مراودات و رفت و آمد بشمار میرفت و شاخه یا معاون شرقی از کو تل خاواک سر چشمه گرفته از شهر اندراب عبور میکند و مجرای آن عبارت از دره است که اسکندر کبیر تعقیب نموده است. بطمیموس این رود خانه را سر رودا کوس تصور کرده و سر چشمه آن نقطه بود که رود «اکوس» را به پارو پانیز (هندو کو) میکشاند موقعیت ۶۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول البلد و ۶۰ درجه عرض البلد چیزی است که اولی آن تقریباً عبارت از همان نظریه بطمیموس و دومی آن یعنی عرض البلد بواسطه اشتباهی که عموماً درین مناطق می نمودند فرق دارد. سرحد کوهستانی جنوبی باختر که در امتداد سی و نهمین

خط موازی استوا تعیین شده در حقیقت قریب سی و پنجمین میباشد.

نظریه بطمیموس راجع به مجرای علیای رودا کوس که این است، مشاراً لیه این رود را از اجتماع سه رود خانه کوچک مرگب میدانند و هنوز امر وز هم فقط بعد از نقطه که این معاونین به آن می افتند اهالی بومی آنرا بنام (آمودریا) یاد میکنند این سه رود خانه که آمورا تشکیل میدهند عبارت انداز :-

واخ «Ouakli» با سرخ آب بطرف شمال - پنج در مرکز - رود آق سرای یا قندوز به جنوب. جغرافیه نگاران معاصر رودخانه پنج را که از دیگر ها خیلی طویل است سر رودا کوس میگویند لیکن رود قندوز از دره عبور میکند که خیلی حاصل خیز و از نقطه نظر سیاست هم خیلی مهم است. زیرا مجرای این رود در حقیقت راه



ورزش بوکس در مکانی استلال

کتابخانهٔ عمومی دانشگاه تهران
مجموعهٔ علوم انسانی

طبیعی است که از دل هندوکوه، به حوضه اکسوس منتهی میشود.

در حدودی که بطایموس مشخص نموده باختر تقریباً (۲۹۰۰۰۰) کیلو متر مربع وسعت داشت. در حقیقت باختر (به استثنای بدخشان) معه وادی میمنه بیش از صد هزار کیلومتر مربع وسعت ندارد اما اگر در آن دشت قره‌قم (Karakoum) یا افلاً یک حصه آنرا که بین مجرای قدیم «اکسوس» و مناطق زراعتی افتاده، افزوده شود همان وسعتی بدست میآید که معمولاً به باختر داده و دامنه آنرا تا در یاچه (جماله Djemala) نزدیک پنجاه و ششمین نصف النهار میرسانیدند.

قسمت قابل سکونت و حاصل خیز باختر در زمانه‌های تاریخی از همان ده میلیون هکتاری که فوق‌الذکر شده گز تجاوز نمیکند اما مانند حوضه رود «پوه» (Poh) ایتالیا چندین میلیون نفر را به‌کمال خوبی مدت ۲۰ قرن تغذیه نموده است و این نکته بذات خود یکی از مسائلی است که اهمیت باختر را در زمان طولانی فوق قبل از تهاجم اعراب و کشتارهای و حشیانه‌مغل‌ها و بر بادی اقتصادی و انحطاط فتوحات ترک‌ها ثابت نموده است. در عصر بطایموس «هندوسیت‌های» که جانشین شاهان یونانی باختر شده بودند در آبادی و ترقی باختر صرف‌مسانی داشتند چنانچه تعداد شهرهای که جغرافیه نگار یونانی اسم می‌برد این نظریه را تقویت میکند. این آبادی باختر بسته به تقسیمات صحیح آبی بود که «اناکسوس» و معاونین سوا حل‌چپ او در بین دیار می‌آورد.

رود اکسوس در میان تمام رودخانه‌های دنیا تنها رودی است که از ذوب برف و یخ‌های کوه بیشتر حصه میگیرد قرار یکه مقدار آب آن در «پل چهارجوی» اندازه گرفته شده مقدار متوسط آب آن (در سال‌های ۱۸۸۷ تا ۱۹۰۱) دو هزار متر مکعب در ثانیه بوده. حداقل آب آن که از ماه ژانویه تا تابستان اندازه شده ۷۳۸ متر مکعب و حداکثر آن در ماه ژوئیه ۸۲۶۳ متر مکعب

در نایبه میباشد و حداکثر اختلاف سطح آن ۱۸ ر. ۲ متر است این اختلاف در رود «ولگا» در مقام «سامارا Samara» ۱۳ متر و در رودخانه آرام «سن» در پاریس معمولاً ۴ تا ۵ متر میباشد. در جلگه که باختر را تشکیل میدهد باران بسیار کم می بارد سالانه ۱۶۰ میلیمتر در «کرکی Karki» و ۱۲۰ در چارجوی می بارد پس گفته میتوانیم که حاصل خیزی زمین باختر نسبت به نقاط بری هند بیشتر بسته به آب رودخانه هائی است که از کوهها سرازیر میشود و جویها و کنالها آنرا بهر طرف تقسیم مینماید. در حقیقت سهل انگاری در استفاده آب و گذاشتن آن به او قیانوس عین اسراف و علامه سوء اداره است زیرا آب که آب حیات زمین و آبروی باشند گمان یک منطقه است باید مورد استفاده قرار گیرد و به در آبیاری اراضی بخورد نه اینکه از سنگی به سنگی غلطیده و در آب های شور بحر ناپدید گردد.

آبادی ممالکیکه اراضی آن محتاج به رژیم آبیاری است سراسر منوط به جدیت حکومت های آنها در کشیدن جویها و کنالها و نگهداری آنها میباشد زیرا بعلاوه اینکه این کنالها اسباب آبیاری زمین میشود برای مرادادات و حمل و نقل هم بکار میروند به این حساب این نظریات در مورد ممالک خشک مثل باختر - مصر علیا - و برای مناطقی که از دلگها تشکیل شده اند مانند فرات سفلی، نیل سفلی یا اندوس سفلی حقیقت دارد.

در ممالک خشک این مسئله پیش میشود که با تقسیمات آب در جویبارهای آبیاری قبل از اینکه رودبارها به معاونین خود برسند در راه خشک میشوند چنانچه تمام معاونین چپ رودا کسوس از نقطه که رود دقندوز به آمو میریزد پایان تر همه بلااستثنا در راه خشک میشوند و به خود آمو نمیرسند عین این وضعیت در سواحل راست و قسمت سفلی رودخانه مذکور هم حقیقت دارد معاونین سواحل چپ

رودا کسوس همه در سرزمین باختر جریان داشت بطلیموس که جغرافیه نویس نظری بود به این مسئله تأمل نکرده که فلان رودخانه در مجرای سفلی خود خشک شده بلکه بر طبق قانون طبیعی عادی هر رودخانه را به رودخانه مهمی منتهی ساخته است و به این اساس رودخانه هارا رسم کرده حتی در رسم آنها مبالغه هم بکار برده و بعضی رودخانه هارا از حد و اندازة حقیقی آن طویل تر ساخته و بعضی را با رودخانه هائی که برای او مجهول بود متصل نموده است .

جغرافیه نگاری که به باختر شکل لوزی داده است فرض میکند که معاوین رودا کسوس در حوالی سی و نهمین خط موازی استوا از کوه یارو پانیز سر چشمه گرفته و به چهل و چهارمین خط استوا به رود مذکور می ریزند مشارالیه معاوین رودا کسوس را از سرچشمه بطرف مصب چنین ذکر میکند :-

روداوکس ochos در نقطه تقاطع ۱۱۰ طول البلد و ۳۹ عرض البلد سرچشمه میگیرد .

دارکومانس Dargomanes در نقطه تقاطع ۱۱۶ درجه طول البلد و ۳۶ درجه

و ۴۰ دقیقه عرض البلد نبعان میکند .
 این دو رودخانه در ۱۹۰ درجه طول البلد و ۴ درجه و ۱۰ دقیقه عرض البلد یکجا شده در نقطه ۱۰۹ درجه طول البلد و ۴۴ درجه و ۲۰ دقیقه عرض البلد به کسوس میریزد .

رود زاریسب Zariaspes سرچشمه - ۱۱۳ درجه طول البلد و ۳۹ درجه عرض البلد.

رودارتمیس Artamis سرچشمه :- ۱۱۴ درجه طول البلد - ۳۹ درجه عرض البلد این دو رودخانه در نقطه تصادف ۱۱۳ درجه طول البلد و ۴۰ درجه

عرض البلد یکجا شده در نقطه ۱۱۲ درجه و ۳۰ دقیقه طول البلد و ۴۴ درجه عرض البلد به اکسوس منتهی میشود.

رود Dargidos در چشمه: ۱۱۶ درجه طول البلد و ۳۹ درجه

عرض البلد این رود خانه در نقطه تصادم ۱۱۶ درجه طول البلد و ۴۴ درجه عرض البلد در اکسوس میریزد.

رود «اوکس» را سائر جغرافیه نگاران هم ذکر کرده و آنرا مهمترین رود جنوب اکسوس میدانند و بسیاری گفته اند که مجرای او تا بحیره از مجرای اکسوس علیحده بوده است. ناگفته نماند که میدان حدسیات جغرافیائی در اینجا آزاد بود زیرا دو هزار سال قبل مثل امروز تمام این رود خانه هادر ریگ های مرسوبات قدیم جذب میشدند و هیچ کدام مجری دائمی در بحر نداشت. (۱)

از روی ترتیب بطلیموس و نگارشات «استرابون» میتوان گفت که رود «اوکس» عبارت از «تجن» میباشد. رود «دار کومانس» که در جنوب کوه «پاروپانیز» قریب شصت و هفتمین خط نصف النهار سرچشمه میگیرد عبارت از «هری رود» یعنی (از یوس) نگارشات «استرابون» نامی باشد. لغات فرانسوی

در عصر یخچال ها و بلاشبهه در زمانه های جدیدتری در امتداد خطی که راه ماورای سائبیریا را تشکیل میدهد رود خانه وجود داشت که آب چشمه سارهایی را که از «کپت داغ» Kopet dagh می برآمد با خود می آورد آثار مجرای این رود خانه قدیم که امروز خشکید است به طول ۲۶۰ و عرض ۲۰ کیلومتر درین مناطق دیده میشود و شهر عمد که امروز در جوار آن

«آرین» متذکر میشود که چندین رودخانه بزرگ درین مناطق وجود دارد که در صحرا غیب میشود مثل «پولی تموس» یا زرافشان، «اپارکوس» Eparehos از یوس Arios (هری رود) «اتی ماندوس» (هلمند).

آباد میباشد عشق آباد است که بفاصلهٔ ده کیلومتری شرق خرابه های انو (Anau) یا اناو
 Anaou افتاد و پمپلی (Pumpelly) امریکائی در آن حفريات نموده است و در نتیجه آناو
 مدنیت های چندین عصر قبل التاریخ را از قبیل : ثقافت عصر حجر ، عصر اهلی شدن
 گوسفند و بزگاو - عصر مس - عصر مفرغ - عصر آهن کشف شده است .
 در فصل متعلق « مار جیان » (مرو) بطلیموس حوضه (تجن) را هم به باختر
 ملحق نموده و آنرا به شرق حوضه مرغاب قرار داده است حال آنکه واضحاً اشتباه
 نموده و این حوضه بطرف باختر افتاده نه بطرف شرق آن ، چون وادی مرو را
 دشت ریگستانی (قره قم) (۲۸۰۰۰۰ کیلو متر مربع) از رود خانه جدا کرده
 خط سیری که در امتداد جریان اکوس از نقاط مهم باختر به اماکن آباد « اوکس »
 یعنی (تجن) میرفت به مار جیان نمیرسید .
 عقیدهٔ مردم راجع به رود « اوکس » متذکرهٔ بطلیموس هر چه باشد از روی خط
 جریان رود اکوس و موقعیت بلخ (۴۲ درجه عرض البلد ، ۱۱۶ درجه طول البلد
 مساوی ۶۷ درجه گرینویچ) که در طول البلد آن اشتباهی نیست بصورت اطمینان
 بخش میتوان سه رودخانهٔ اخیر الذکر را تشخیص کرد . از نوشته های قلمی بطلیموس
 که در (پالاتین Palatin) محفوظ است بطور دقیق معلوم میشود که بلخ بطرف غرب
 رود دار جیدوس Dargidos واقع است چون طول البلد این رودخانه با طول البلد شهر بلخ
 یکی است میتوان گفت که رود مذکور عبارت از « بلخ آب » میباشد که در قسمت
 شرقی شهر قدیم میگذرد .

« باقی دارد »